



مفهوم عفاف و حجاب از منظر قرآن کریم ، دین اسلام ، پیامبر و ائمه اطهار و وجود حجاب قبل و بعد از اسلام و آثار آن در جامعه

یونس کاوسی غیور^۱ ، طیبه قیصری^۲ ، ابراهیم اخلاقی دشتکی^۳

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی ، دانشگاه اصفهان

younes.kavoosi@yahoo.com

۰۹۱۶۲۱۹۳۲۵۷

^۲ کارشناسی علوم تربیتی ، دانشگاه پیام نور خوانسار

tayebeh5124@gmail.com

۰۹۱۳۸۷۱۵۱۲۶

^۳ کارشناسی مشاوره و راهنمایی ، دانشگاه پیام نور خوانسار

younes.kavoosi@yahoo.com

۰۹۱۳۲۸۰۳۲۱۹

چکیده :

پوشش در ادیان و اقوام پیش از اسلام بی سابقه نیست. گویا گرایش فطری انسان، او را به نوعی پوشش فرا می خوانده است. مسأله حجاب و پوشش زن و حفظ حریم عفاف مرد و زن موضوعی است که از دیرباز در بین ملت ها مطرح بوده است و در طول تاریخ با فراز و نشیب های فراوانی همراه بوده و در اسلام نیز مورد توجه بوده و از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. طوری که در اسلام هرچه الگوه های حجاب و عفاف مراتب برتر و بالاتری داشته باشند، تاثیر بیشتری بر معنویت و دینداری فرد و جامعه خواهند گذاشت و می توان گفت که روابط اجتماعی عفاف و حجاب، یکی از ارزشهای والای انسانی و اسلامی و رمز بهداشت و سلامت روانی جامعه است. این مقاله به بررسی مفهوم عفاف و حجاب از منظر قرآن کریم ، دین اسلام ، پیامبر و ائمه اطهار و وجود حجاب قبل و بعد از اسلام و آثار آن در جامعه می پردازد. این بررسی از نوع توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت تحلیل محتوا می باشد. امید است این تحقیق در توسعه فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه تأثیرگذار باشد.

واژگان کلیدی: حجاب و عفاف، جلباب، ساتر، حائل، پاک دامنی، حریم، پوشش، تحکیم، کنترل خواسته ها، مانع، حفاظت، محبوب



۱. مقدمه

مفهوم کلمه حجاب (پوشش):

در پرده کردن، حجب، بازداشتن از در آمدن (از منتهی الارب)، «دهار» و «زوزنی» به معنی روگیری، عفاف، شرم کردن، حیا: مرا به عرض تمنا حجاب نگذارد و گر خموش شوم اضطراب نگذارد، لغت حجاب به معنی جدایی، پوششی است که زن را از دنیای مرد، جدا می‌کند. در مفهوم دیگر، حجاب، حدفاصل بین برگزیده و لعن شده و نیز به معنی جوهر مادی در معراج عرفانی به کار می‌رود: تو خود حجاب خودی، حافظ از میان برخیز «حجاب» به مفهومی دیگر: حد نهایی جدایی مذهبی – اجتماعی که شمول روحی این جهان می‌باشد، به کار رفته است. گاه به معنای ایستای خود، جنبه دیالکتیک دارد، یعنی مبادله یا برخورد که تغییرات یک وضع را شامل می‌شود. اما مفهوم اخص آن، پوششی است که در اطراف یک زن یا یک شیء قرار می‌گیرد تا او را کاملاً از دیدگاه عموم محفوظ دارد.

مفهوم قرآنی حجاب:

در قرآن کریم، هفت بار واژه «حجاب» بکار رفته است و با در نظر گرفتن آیات قرآنی می‌توان فهمید حجاب در قرآن به طور اخص به معنای جدایی و پرده به کار رفته است. اما معنایی که امروزه از آن استنباط می‌شود، معنای تحول یافته‌ای از واژه قرآنی آن می‌باشد. به عبارت دیگر کلمه حجاب تغییر کرده و به جای کلمه یستر و ستر، به معنای پوشش و پوشاندن به کار رفته است. هدف اسلام از پوشش زنان در واقع حفاظت آنها از نگاه شهوت‌زای مردان و بسیاری مسائل دیگر روانی و اخلاقی می‌باشد که آیات قرآن و احادیث و فتوای مراجع و مجتهدان بزرگ، گواه این منظور است.

سوره اعراف آیه ۴۶:

و بینهما حجاب و علی الاعراف رجال یعرفون کلاً بسمیهم و نادوا اصحاب الجنة ان یدخلوها و هم یملعون. «میان بهشتیان و دوزخیان حائل است و بر بالای آن مردمی هستند که همه خلائق را به سیما و رخسارشان می‌شناسند. و اهل بهشت را ندا دهند که سلام بر شما، اینان به بهشت در نیامده‌اند اما طمع آن را دارند.» معنای حجاب در این آیه روشن است و آن ساتری است که بین دو چیز حائل شود، و «اعراف» به معنای قسمتهای بالای پرده و تلهای شنی، و «عرف» بمعنی یال و قسمت بالای هر چیز است. معلوم می‌شود که برای این کلمه به هر معنا که استعمال می‌شود، معنای بلندی در آن است و از اینکه حجاب را قبل از اعراف ذکر کرده و همچنین از اینکه فرموده: اهل اعراف مشرف بر جمیع مردم از بهشتیان و دوزخیانند، معلوم می‌شود، مراد از اعراف قسمتهای بالای حجاب است که حایل بین دوزخ و بهشت است، بطوریکه اعرافیان از آنجا، هم دوزخیان را می‌بینند و هم بهشتیان را.

قرآن مجید در سوره مریم آیه ۱۷ می‌فرماید:



فاتخذت من دونهم حجاباً فارسلنا اليها روحنا فتمثل لها بشر سوياً. «در مقابل آنان پرده‌ای آویخت، پس ما روح خود را نزد او فرستادیم که بصورت انسانی تمام عیار بر او مجسم گشت.» در واقع حجاب به معنای هر چیزی است که چیزی را از غیر خدا بپوشاند و از این کلمه چنین بر می‌آید که گویا «مریم» خود را از اهل خویش پوشیده داشت تا قبلش فارغ تر برای اعتکاف و عبادت باشد.

سوره الاسراء آیه ۴۵:

و اذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجاباً مستوراً. «چون قرآن را می‌خوانی، ما میان تو و میان کسانی که به روز جزا ایمان نمی‌آورند، حجابی سائر قرار می‌دهیم.» ظاهراً اینکه حجاب را با صفت مستور توصیف نموده، می‌رساند که حجاب مزبور حجابی است که به چشم نمی‌آید، بر خلاف سایر حجابهای معمولی، که با آن چیزی را با چیز دیگر پنهان می‌کنند. و معلوم می‌شود که این حجاب معنوی است که خداوند میان رسول خدا(ص)، از این جهت که خواننده قرآن و حامل آنست، و میان مشرکین که ایمان به روز جزا ندارند افکنده و او را از ایشان پنهان نموده و در نتیجه نمی‌توانستند حقیقت آنچه از معارف قرآن نزد وی است، بفهمند و بدان ایمان آورند و یا اذعان کنند که او به راستی فرستاده خداست، که به حق به سوی ایشان فرستاده شده است.

سوره احزاب آیه ۵۳:

يا ايها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوت النبي الا ان يؤذن لكم الى طعام غير ناظرين اناه و لكن اذا عيتم فادخلوا فاذا طعتم فانتشروا و لا مستأنسين لحديث ان ذالكم كان يؤذي النبي فيستحيي منكم و الله لا يستحيي من الحق و اذا سألتهم عن متاعاً فسئلوهن من وراء حجاب ذالكم اطهر لقلوبكم و قلوبهن و ما كان لكم أن تؤذوا رسول الله و لا ان تنكحوا ازواجه من بعده ابدأ أن ذلكم كان عند الله عظيماً. و اما کلمه حجاب در این آیه معنایش این است که اگر بخاطر حاجتی که برایتان پیش آمده، ناگزیر شدید با یکی از همسران پیامبر صحبتی بکنید، از پس پرده صحبت کنید، این جمله مصلحت حکم نامبرده را بیان می‌کند، و می‌فرماید: برای اینکه وقتی از پشت پرده برای ایشان صحبت کنید دل‌هایتان دچار وسوسه نمی‌شود، و در نتیجه این رویه، دل‌هایتان را پاک‌تر نگه می‌دارد.

سوره (ص) آیه ۳۱:

فقال ابي احببت حب الخير عن ذكر ربي حتى تورات بالحجاب. در این آیه (حتی حجاب) ضمیر در «تورات» به طوری که گفته‌اند به کلمه شمس بر می‌گردد و مرا به توارى خورشید، غروب کردن و پنهان شدن در پشت پرده افق است. پس حاصل معنای آیه این است که من آنقدر به اسب علاقه‌مندم که وقتی اسبان را بر من عرضه کردند، نماز از یادم رفت، تا وقتش فوت شد و خورشید غروب کرد.

سوره فصلت آیه ۵:



و قالوا قلوبنا فی اکنه مما تدعونا الیه و فی آذاننا و قر و من بیننا و بینک حجاب فاعمل اننا عاملون. منظور این است که بین ما و تو حجابی و حائل زده شده است، که نمی‌گذارد ما و تو، یکجا و بر سر یک مسئله جمع شویم. تو بر دین خودت عمل کن و ما هم بر طبق دین خود عمل خواهیم کرد.

سوره شوری آیه ۵۱:

و ما کان لبشر ان یکلمه الله و حیا او من وراء حجاب در این آیه سخن گفتن خدا با بندگانش به یکی از سه طریق است، اول به وسیله وحی، دوم پس پرده حجاب و سوم بوسیله فرستادن رسول، که به اذن خود، هر چه بخواهد به او وحی می‌کند. در این هفت آیه همه جا حجاب، به معنی پرده و مانع به کار رفته است و مفهومی که امروزه از آن استنباط می‌شود، معنای تحول یافته‌ای از واژه قرآنی آن می‌باشد. به عبارت دیگر کلمه حجاب تغییر کرده و از مفهوم قرآنی خود اندکی دور گردیده و به کلمه ستروستر، به معنی پوشش و پوشاندن بکار رفته است. البته بهتر بود کلمه ستر را به کار می‌بردند چون کلمه حجاب بیشتر به معنی پرده می‌باشد، از این رو غیر مسلمانان فکر می‌کردند چون زن مسلمان با حجاب شده پس باید پشت پرده و در خانه بماند، در حالیکه معلوم است هدف اسلام از پوشش زنان در واقع حفاظت آنان است. چنانکه در آیات سوره‌های نور و احزاب و سایر آیاتی که راجع به پوشش زن بحث شده، محدوده رابطه زن و مرد بدون به کار بردن کلمه حجاب به ما نشان می‌دهد. تنها آیه‌ای که کلمه حجاب در آن بکار رفته، همان آیه ۵۱ سوره نور است که در آن همسران پیامبر خدا به نام «امهات المؤمنین» یاد گردیده است. اسلام می‌خواسته «امهات مؤمنین» که خواه و ناخواه احترام زیادی در میان مردم داشته‌اند، در گیر مسائل سیاسی و اجتماعی نگردند. فلسفه حجاب زن، این موجود ظریف، مظهر جهان خلقت است و اسلام می‌خواهد این گوهر گرانبها در گنجینه حجاب، مستور باشد تا از آفات هوسها مصون بماند. از طرفی حجاب، نوعی ارزش و احترام برای زنان به دنبال می‌آورد تا نا محرمان هوسران، آنها را به دیده حیوانی ننگرند. «حجاب برای این است که زنان، شناخته نشوند و مورد اذیت و آزار قرار نگیرند» (نور: ۳۰) در مخزن شرف، گهری چون حجاب نیست شمشیر دیده را سپری جز حجاب نیست. زن تا زمانی که در غنچه حجاب است، هیچ کس هوس چیدن آن را نمی‌کند. اما همین که حجاب کنار رفت و این غنچه باز شد، آن را خواهند چید و پس از چند روز که پرپر و پژمرده شد به کناری خواند افکند.

کیفیت حجاب:

پوشش واقعی پوششی است که بدن انسان را از نامحرمان بیوشاند و نازک و بدن نما نباشد. علی (ع) فرمود: «عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّ مَنْ رَقَّ تَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ» (وسائل، ج ۳، ص ۲۸۲) از لباس نازک بپرهیزید زیرا کسی لباسش نازک است ایمانش هم ضعیف و کم رنگ است. حجاب باید همراه با حجب و حیا باشد. بسیاری از خانمها پوشش ظاهری شان کامل است اما نحوه پوشیدن و رفتار و راه رفتن آنها به گونه ای است که جلف و سبک می‌نماید و جلب توجه می‌کند و در شأن یک خانم با حجاب نیست. باید حجاب ظاهر و باطن همراه باشد. همواره باید توجه داشت انتقال ارزشها از اوان کودکی آغاز می‌شود. برای اینکه انسان بتواند از نامحرمان و گناهان محفوظ ماند باید خود را در لباس و حفاظ تقوا قرار دهد و برای اینکه دامن زنان از بی عفتی پاک باشد لازم است خود را در حفاظ و حجاب و عفاف قرار دهند.



معنی عفاف :

عفت، یعنی نگاه داشتن نفس از چیزهایی که حرام است یا انجام آن شایسته نیست. شهید مطهری در تعریف عفاف می فرماید: «عفت، حالتی نفسانی است به معنی رام بودن قوه ی شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان؛ تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن» (مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت؛ ص ۱۵۰) حضرت علی درباره حقیقت عفت می فرماید: الصبر علی الشهوة عفه. عفت مقاومت در برابر شهوتها است. همچنین در روایت دیگری می فرماید: العفاف زهاده (غرر الحکم، حدیث ۱۹۲۷) عفت، بی رغبتی نسبت به خواسته های نفسانی است. و اما عقیف به کسی گفته می شود که در برابر خواسته های نفسانی، از جمله، کششهای جنسی، مقاومت نموده، خود را حفظ نماید.

فرق عفاف و حجاب :

مساله اصلی و بنیادین عفت است. عفت فراتر و برتر از حجاب است. حجاب، همان پوشش ویژه و عفت، یک خصلت و بینش و منش است.

حجاب، پوششی بیرونی است؛ ولی عفت، هم پوشش بیرونی و هم پوشش درونی است. حجاب می تواند ریایی، تحصیلی، ظاهری و یا غیره اختیاری باشد؛ ولی عفت، یک خصلت و ارزش اختیاری است. عفت نمودهای گوناگونی دارد؛ از جمله: عفت در نگاه، عفت در سخن، عفت در شهوت و ... ممکن است کسی حجاب مناسب داشته باشد ولی عفت در نگاه، سخن گفتن و یا امور جنسی نداشته باشد که این خود نمونه حجاب بدون عفت است، بنابراین برای سالم سازی جامعه به دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابد.

قرآن وعفاف :

قرآن، از این ارزش انسانی و اسلامی با واژه هایی چون عفاف، احسان و حصور، با عظمت یاد نموده، یکی از ویژگیهای مؤمنان راستین را پاکدامنی و عفاف می داند؛ والذینهم لفروجهم حافظون (مؤمنون : ۵) آنان (مومنین) کسانی هستند که خویشان را از بی عفتی حفظ می کنند. در اهمیت عفاف همین بس که خداوند در قرآن، سوره ای به نام «سوره نور» به بیان لزوم عفاف اختصاص داده و شیوه های رسیدن به آن و مبارزه با آلودگی های جنسی را بیان فرموده است. قرآن در بیان مهیج ترین ماجراهای تاریخی، چون داستان حضرت یوسف (ع) جانب عفاف را رعایت نموده است. به بیان دیگر باید گفت: قرآن کتاب عفاف است و برنامه ای برای کسانی که بخواهند این راه سعادت بخش را در پیش گیرند. حجاب زن یک امر فطری است: گذشته از دلایل عقلی و نقلی که در دست است، ممکن است گفته شود حجاب برای زن از آغاز خلقت یک امر طبیعی و فطری به شمار می رفته است. ابن عباس می گوید (محمدين سعد در طبقات از ابن عباس این روایت را نقل کرده است، سیره النبی (ص)، ج ۱) آدم علیه السلام پس از یک توقف کوتاه در بهشت که نصف روز از روزهای آخرت بود به کوه نود در کشور هنرو حوا به جده پیاده شدند، برهنه و عریان بودند خداوند امر کرد یکی از هشت جفت قوچی که از بهشت به ایشان عطا کرده بود ذبح کنند سپس حوا پشم آن را رشت، با دست یاری آدم (ع) از تابیده های آن یک جامه بلند برای آدم و یک پیراهن و روسری جهت حوا بافته شد. بدین وسیله بدن انسانهای نخستین پوشیده گردید و از برهنگی و



شرمندگی آن نجات یافت. این داستان می‌رساند: پیش از اسلام حجاب و نقاب بوده و بشر در بدو خلقت قبل از آنکه شراب‌خوار آسمانی گوش زد وی گردد می‌بینیم انسان نخستین مأمور به پوشش خود میگردد.

عفاف از دیدگاه پیامبر(ص) و حضرت علی(ع):

پیامبر گرامی اسلام که از وی به عنوان مظهر عفاف (مفاتیح الجنان، (والعنصر العفیف)) یاد می‌کنیم، تلاش بسیاری برای مالکیت عفاف و پاکدامنی نموده تا جامعه‌ای بسازد که در آن، عفاف و پاکی، ارزش و بی‌عفتی، ضد ارزش به شمار آید. پیامبر در جریان بیعت با زنان مکه از آنان پیمان گرفت که پاسدار پاکدامنی و عفاف باشند (ممتحنه: ۱۲) و فرمودند: « لا یقعن مع الرجال فی الخلا : زنان با مردان نامحرم نباید در خلوت بنشینند (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۹۹) » به پیامبر خبر رسید که در مدینه دو نفر با نامهای « هبت » و « ماتع » که از افراد هرزه هستند نزد مردان نشسته، از اوصاف زنان و لباسهای آنان حرف می‌زنند و با سخنان شهوت انگیز هوسهای آلوده را تحریک کرده، به حریم عفاف تجاوز میکنند. پیامبر آنها را احضار کرد و از مدینه به محلی به نام « العوایا » تبعید نمود. آنها فقط روزهای جمعه برای خرید غذا و لوازم ضروری به مدینه می‌آمدند و سپس به تبعیدگاهشان بازمی‌گشتند (بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۸۸) عفاف در روایات، جایگاه خاصی دارد که به چند حدیث از جملات نورانی حضرت علی (ع) اشاره می‌نمائیم: افضل العبادة العفاف (سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۰۷) بهترین عبادت، پاکدامنی است. العفه راس کل خیر (میزان القلعه، ج ۶، ص ۳۹۵) : عفت ریشه و اساس تمام خوبیهاست. ما المجاهد الشهید فی سبیل الله باعقلم اجرا ممن عفف لکاد العفیف ان یکون ملکا من الملائكة (نهج البلاغه، قصار) مجاهد شهید در راه خدا اجرش بیشتر از کسی نیست که قدرت برگناه دارد اما خوشتن داری می‌کند، چنین شخصی نزدیک است فرشته‌ای از فرشتگان خدا باشد. عفاف با همه ارزش و اهمیتی که دارد متأسفانه روز به روز شاهد کم رنگ شدن آن هستیم. حضرت امیر(ع) ضمن بیان علائم آخرالزمان می‌فرماید: صار الفسوق نسباً و العفاف عجباً در آن زمان مردم به گناه افتخار می‌کنند و از پاکدامنی در شگفت فرو می‌روند. امروزه در جهان عفاف به عنوان یک ارزش شناخته نمی‌شود؛ حتی در کشورهای اسلامی، زنان عقیف و پاکدامن منزوی هستند و اصولاً بافت این گونه جوامع به گونه‌ای است که زنان پاکدامن نتوانند حضور اجتماعی فعال داشته باشند و گاهی رسماً اعلام می‌کنند که حضور دختران محجبه در مدارس و دانشگاهها ممنوع است. نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نهایت تلاش خود را بر عفت عمومی جامعه معطوف داشته است؛ ولی متأسفانه کم نیستند خود باختگان و عزیزدگان و افراد خوشگذرانی که می‌خواهند بنیان عفت را در این کشور اسلامی واژگون کنند؛ بنابراین همه غیرتمندان جامعه وظیفه دارند در برابر فساد و بی‌عفتی ایستادگی کنند تا زنان و دختران، بهتر بتوانند مروارید عفاف خویش را پاسداری نمایند. عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم که ملائکه بالاترند یا انسان، حضرت فرمود: از جدم علی (ع) به خاطر دارم که فرمود: خداوند به ملائکه، عقل بدون شهوت و به چهارپایان، شهوت بدون عقل داد؛ اما به انسان هم عقل داد هم شهوت. همین انسان اگر عقل وی بر شهوتش غالب شود از ملائکه برتر و اگر شهوت وی بر عقلش فایق آید از چهارپایان پست تر می‌گردد (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸)

عفاف از دیدگاه امام خمینی(ره):

امام خمینی طی سفارش‌های متعدد درباره عفاف می‌فرماید: « بانوان محترم اسلام ثابت کردند که در دژ محکم عفت و عصمت هستند وجوانان صحیح و نیرومند و دختران عقیف و متعهد، به کشور تسلیم خواهند کرد و هیچ‌گاه در آن راهنمایی که قدرتهای بزرگ



برای تباه کردن کشور، پیش پای آنها گذاشته بودند، نخواهند رفت (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶۴) «زن‌ها باید در میدان زهد و تقوا و عفاف و تحصیل و مجاهده و دفاع از اسلام، از حضرت زهرا تبعیت کنند» (صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۹۴). «وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس جمهور و روسای جمهور مابعد و شورای نگهبان و شورای قضائی و دولت، در هر زمان، آن است که نگذارند این دستگاه‌های خبری و مطبوعات و مجله‌ها از اسلام و مصالح کشور، منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پدران می‌شود از نظر اسلام و عقل، محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و کشور، حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان، جلوگیری از آن واجب است و از آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود.» (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۷۸)

تعمیم عفاف :

گاهی به نظر می‌رسد بحثی است ویژه بانوان؛ ولی بابررسی آیات و روایات در می‌یابیم که لزوم عفاف شامل مردان نیز می‌شود؛ اگر قرآن «والحافظین فروجهم» دارد «والحافظات» هم دارد (وصیت نامه حضرت امام خمینی (ره)) خدا در قرآن خطاب به مردان مومن می‌فرماید: قل للمومنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم. (احزاب : ۳۵) به مومنان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرم‌ان فروگیرند دامان خود را حفظ کنند. به زنان با ایمان هم می‌فرماید: قل للمومنات یغضن من ابصارهم و یحفظن فرجهن. (نور : ۳۰) به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خود را حفظ کنند. و نیز در لزوم عفاف، تفاوتی بین افراد مجرد و متاهل وجود ندارد. گرچه قرآن، افراد مجرد را که نیاز بیشتری به تحصیل و تقویت ملکه عفاف دارند، مورد خطاب قرار داده می‌فرماید: ولیستعفف الذین لایجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله. (نور : ۳۱) آنان که مقدمات ازدواج برایشان فراهم نیست باید عفت پیشه کنند تا خدا از فضلش آنها را بی‌نیاز سازد. از آنجا که افرادی با وجود داشتن همسر، به دلیل عدم مقاومت در برابر کشش‌های جنسی به انحراف کشیده شده‌اند می‌توان گفت در لزوم عفاف تفاوتی بین زن و مرد، مجرد و متاهل وجود ندارد.

فواید عفاف :

امام علی (ع) در یک جمله زیبا این مطلب را بیان فرموده‌اند: العفه راس کل خیر (نور : ۳۳) عفت، منشا تمام نیکی‌هاست. در اینجا به چند نمونه از فواید عفاف اشاره می‌کنیم :

۱. حفظ نفس :

عفاف موجب کنترل و حفظ نفس از بدی‌هاست، علی (ع) فرمود : پاکدامنی، نفس را حفظ می‌کند و از پستی‌ها دور می‌دارد (میزان الحکمه، ج ۶، ص ۳۹۵) و در روایتی دیگر می‌فرماید : ثمره العفه الصیانه (میزان الحکمه، ج ۶، ص ۳۶۳) میوه عفت، محفوظ ماندن است.

۲. عزت و سربلندی :



انسان در سایه عفاف عزت پیدا می کند و کسانی که هرچه می خواهند می خورند و آنچه می خواهند میگویند و دائماً به دنبال هوسرانی هستند، نزد دیگران اعتبار و ارزشی ندارند.

۳. سلامت جامعه :

عفاف سلامت جامعه را به دنبال دارد؛ زیرا جامعه را افراد آن تشکیل می دهند و اگر افراد، اصلاح شوند جامعه نیز اصلاح خواهد شد. عفاف موجب مصونیت پسران و دختران جوان از آشفته‌گی‌های ذهنی، بزهکاری، آوارگی و بلاخره بیماری‌های روحی و روانی می شود و از انحطاط اخلاقی جامعه و از هم پاشیدگی خانواده ها جلوگیری می کند .

۴. فرونشاندن آتش شهوت :

حضرت علی (ع) می فرماید: العفه تضعف الشهوة: عفت ، شهوت را کاهش می دهد .

۵. پاک‌ی اعمال :

حضرت علی (ع) می فرماید: بالعفاف تزكوا الاعمال: به وسیله عفاف اعمال ، پاک می شود . آنگاه که پای نفس و امیال نفسانی در میان نباشد اخلاص در عمل جای خود را باز خواهد کرد .

۶. قدر و منزلت الهی :

از دیگر برکات عفاف ، قدر و منزلت و تقرب یافتن در درگاه خداوند است . حضرت علی (ع) می فرماید : من عفف وزره و عظم عند الله قدره: کسی که عفت داشته باشد ، گناهایش سبک و منزلتش در درگاه خداوند زیاد خواهد شد.

۷. قناعت :

حضرت علی (ع) می فرماید: ثمره العفه القناعة: محصول پاکدامنی قناعت است . انسان عقیف مسلماً شخص قانعی نیز هست ، زیرا کسی که مزین به زینت عفاف است روح بلندی دارد که خود را از بی عفتی در امور مختلف بی نیاز می بیند و از حد خویش تجاوز نمی کند

۸. استحکام بنیاد خانواده :



همانطور که عفاف، موجب تحکیم خانواده است می توان گفت یکی از علل تزلزل خانواده ها نیز بی عفتی است . اگر جوانان ، قبل از ازدواج، با جنس مخالف خود در تماس نباشند ازدواج برای آنها به یک آرزو تبدیل می شود

مراتب عفاف :

عفاف مراتبی دارد که به گوشه ای از آن اشاره می کنیم :

مرتبه اول : عفت در میل جنسی:

به این معنی که انسان برای خاموش کردن شهوت خود به اعمال منافی عفت و حرام متوسل نشود و آن میل را در جهت صحیح و حلال خود هدایت کند .

مرتبه دوم : عفت در اعضای بدن:

به این معنی که انسان علاوه بر کنترل شهوت، هریک از اعضای بدن خود را از گناه بازدارد؛ چشم را از دیدن حرام و گوش را از شنیدن غیبت و ناروا دور دارد؛ زبان را از کلامی ناحق و غیبت دیگران و دست و پا را از رفتار گناه آلوده بازدارد .

مرتبه سوم : عفت در افکار:

به این معنی که انسان علاوه بر کنترل اعضای بدن نسبت به گناه، حتی فکر گناه نیز به ذهنش خطور نکند. آدمی به جایی برسد که ظاهرو باطنش یکسان و وجودش مجسمه عفاف باشد؛ نه مرتکب گناه شود و نه حتی به فکر انجام آن افتد . پیامبران، امامان، معصومین و همچنین مقربین درگاه الهی از این جمله اند .

آثار بی عفتی

۱. بی اعتمادی:

در جامعه ای که بی عفتی رواج داشته باشد افراد نسبت به یکدیگر بی اعتماد خواهند شد؛ پسر جوانی که قصد ازدواج دارد مدت زیادی را صرف تحقیقات می کند و سرانجام به جایی نمی رسد و دختری که می خواهد ازدواج کند نمی تواند در مورد خواستگارش بطور قطع تصمیم گیری کند و همسران نیز به گونه ای به هم بدبین می شوند؛ چرا که هریک، احتمال خیانت و بی وفایی نسبت به دیگری می دهد .

۲. سقوط:



بی عفتی پرتگاهی است مخوف و هر ملتی که در این پرتگاه سقوط کند، عزت و عظمت و همت و مردانگی خود را که یگانه ضامن سلامت و سعادت جامعه است از دست خواهد داد.

۳. جدائی و طلاق:

هنگامی که عفت و حیا در جوامع، جای خود را به بی عفتی و بی بندوباری بدهد، اعتماد از بین مردم و افراد خانواده و زن، شوهر، رخت برمی بندد و این شک و تردید ها خود یکی از عواملی است که به اختلافات دامن می زند و بالاخره کارشان به جدایی خواهد انجامید.

۴. بست شدن بنیاد خانواده:

نیاز جنسی از عوامل بنیادین تشکیل خانواده و پایداری آن است؛ در سرزمینی که برآوردن این نیاز با شیوه های متنوع و آزادانه ممکن باشد، افراد جامعه دلیلی برای تن دادن به محدودیت ها و مشکلات زندگی و تشکیل خانواده درخود نمی بینند؛ از این رو سن ازدواج بالا می رود و کانون های گرم خانواده تشکیل نخواهد شد، که این خود آثار سوء دیگری را در پی خواهد داشت.

۵. رکود فکر و استعداد:

یکی دیگر از آثار بی عفتی، رکود فکری و عدم رشد استعداد های عالی چون خدایگری و کسب علم است. عدم کنترل میل جنسی سبب می شود که تمام حواس و توجهات انسان برهوسازی ها و بی بندوباری ها معطوف گردد و دیگر جایی برای انجام هیچ کار و شکوفایی هیچ اندیشه و استعدادی باقی نمی ماند. از این رو تمام استعداد های عالی انسان با ورود این دشمن قوی پنجه، میدان تلاش را ترک گفته و به گوشه ای می خزند.

۶. خیانت، عامل خیانت:

جهان، جهان عمل و عکس العمل است و هر عمل خیر و شری انعکاس خاصی دارد. قرآن در این زمینه می فرماید: ان احسنتم لانفسکم و ان اساتم فلها. (همان، ص ۳۶۳) اگر نیکی کردی به خویش کرده ای و اگر بدی کردی به خویش بدی کرده ای. پیامبر اکرم فرمودند: نیکی کنید تا به فرزندان شما نیکی کنند و نسبت به زنان دیگران عفاف پیشه کنید تا زنهای شما نیز عفت داشته باشند (اسرا: ۷) امام باقر (ع) می فرماید: از چیزهایی که خداوند به حضرت موسی وحی کرد این بود که اگر کسی به ناموس دیگران خیانت کند، دیگران هم به ناموس او خیانت خواهند کرد هرچند در نسلهای بعد از او باشد و نیز فرمود: ای موسی! پاکدامن باش تا خانواده ات پاکدامن باشند (بحار، ۷۱، ص ۲۷۰)



جلباب :

کلمه جلابیب ، جمع جلباب است و آن جامه ای است که یا به طور سرتاسری تمامی بدن را می پوشاند و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را می پوشاند و منظور از جمله (پیش بکشید مقداری از جلباب خود را)، این است که آن را طوری بپوشانید که زیرگلو و سینه هایشان پیدا نباشد. ذالک ادنی ان یعرفن فلا یوذین . یعنی پوشاندن همه بدن به شناخته شدن به اینکه اهل عفت و حجاب و صلاح و سوادند، نزدیکتر است در نتیجه به این عنوان شناخته شدند ، دیگر اذیت نمی شوند ، یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنها نمی گردند . حجاب بر هرزنی واجب است الا زن مسن ، که می تواند بی حجاب باشد ، البته در صورتیکه کرشمه و تبرج نداشته باشد . جمله: « ان یستعففن خیر لهن » کنایه است از خود پوشی ، یعنی همین زنان سالخورده نیز اگر خود را بپوشانند بهتر از برهنه بودن است و جمله «والله سمیع علیم » تعلیل حکمی است که تشریح کرده ، و معنایش این است که خداوند شنواست آنچه را که زنان به فطرت خود درخواستش را دارند ، وداناست به احکامی که به آن محتاجند .

حجاب در حیات اسلامی :

در مورد نزول آیات حجاب ، روایات مختلف است . اولین آیات تقریباً ده سال پس از هجرت پیامبر (ص) نازل گردید . این چنین بوده که زنان از خانه بیرون می شدند تا به مسجد آیند و دنبال رسول خدا (ص) نماز بخوانند ، و چون شب می شد و زنان برای نماز مغرب و عشاء بیرون آمدند ، جوانان سر راه آنان می نشستند و به ایشان متلک می گفتند و یا معترض ایشان می شدند . برخی دیگر گفته اند که قبل از نزول آیات مربوط به حجاب زنی برای خرید جواهر به بازار « بنی قنیقاع » رفت ، چارپایه ای در کنار دکان گذاشتند و به این خانم گفتند اینجا بنشین ؛ دائم می رفتند و انگشتر و گوشواره و ... می آوردند و به او می دادند و او هم نگاه می کرد . چون زنی مسلمان بود ، جوانهای یهودی که به مسلمانان کینه داشتند ، آمدند و چادرش را از پشت به بالای سرش سنجاق کردند ، و او تا بلند شد ، چون چادرش سنجاق شده بود ، منظره زشتی ایجاد شد . او که دید این کار را کرده اند، از برادران مسلمان کمک خواست . مسلمانی که از آنجا می گذشت با شمشیر فرد یهودی را زد ، بعد یهودی ها جمع شدند و مسلمانان را کشتند و بحران به حدی شدید شد که مسلمان ها اعلام جهاد کردند . بدین ترتیب جنگ با بنی قنیقاع شروع شد . روسای آنها آمدند و با هم صلح کردند . بلافاصله در اینجاست که مسئله پوشش مطرح می شود.

حجاب در ادیان غیراسلامی :

تحقیقاً حجاب قبل از اسلام وجود داشته و این ساخته و پرداخته اسلام نیست ، اما، اسلام آن را به صلاح زن تکمیل نموده است. جداسازی زن از مرد به طور کامل، داستانی بلند و تاریخی در چین ، یونان و ایران دارد . اسلام در تمام احکامش مقام زن را تکامل بخشیده است . بهترین وسیله برای نشان دادن مقامی که اسلام به زن داده است ، تحقیق و بررسی در وضعیت زن قبل از اسلام و بعد از اسلام در مشرق زمین می باشد . در جاهلیت حجاب وجود نداشته و با ظهور اسلام پیدا شده است . در جاهلیت ، قبل از ظهور دین مبین اسلام در جزیره العرب، زن مخلوقی زیردست ، موجودی میان آدم و حیوان بوده است . تولد یک دختر ، بدبختی بزرگی برای خانواده محسوب می گردید ، و عادت زنده به گور کردن او بسیار عادی بوده است . در دین یهود، اگر زن به نقض قانون دین می پرداخت، چنانکه بدون پوششی بر سر ، به میان مردم می رفت و یا در شارع عام نخ می ریسید یا با مردان سخنی می گفت و درد و دل می کرد،



یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم میکرد، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند ، در آنصورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد. حجابی که در قوم یهود معمول بوده، بسیار سخت تر از حجاب در اسلام بوده است. کتاب مقدس « بیل» چندان نرمشی نسبت به زن نشان نداده است ، چنانکه گاهی زن را تلخ تر از مرگ دانسته است. به اعتقاد « سن پل » یکی از قدیسان کلیسا « سر زن نباید بدون روسری (سرپوش) باشد؛ زیرا:» به خاطر فرشتگان است که زن باید الزاماً پوشیده باشد. آیا اگر زنی در موقع عبادت ، او فرود می آید ؟ آیا طبیعت به شما نیاموخته است که شرم آور است که مردان موهای خود را بلند کنند ، درحالی که موی بلند برای زنان افتخار آمیز است چون خود موی بلند ، فرحی از روسری می باشد « به طور کلی در اکثر تصاویر مذهبی و هم چنین مجسمه هایی که درموزه های اروپا و سایر نقاط جهان به چشم می خورد ، چه در دین یهود و چه در دین مسیحیت ، زنان دارای روسری و یا پوشش بلندی که بی شباهت به چادر نیست می باشند ، و یا اگر سربند کوچکی بر سر داشته باشند لباس بلند و کاملاً پوشیده ای بر تن دارند . حتی تا این اواخر یک زن در اسپانیا ، پرتغال و جنوب فرانسه ، ایتالیا ، کرواس ، یونان و لبنان حق ورود به کلیسا بدون پوششی بر سر نداشت .

حجاب در ایران قبل از اسلام :

قبل از اسلام به دلیل تجاوز پادشاهان به زنان و دختران جوان، زنان کمتر از منزل خارج می شدند ، به طوریکه در موقع خارج شدن از منزل برای اینکه شناخته نشوند، در ارا به هایی می نشستند که با پرده ای جلوی چشم بسته می شد و اگر پیاده بودند ، در لباسهای بسیار گشادی که حتی صورتهایشان هم پوشیده بود، ظاهر می شدند . ضمناً از این نوع لباسها گاهی مردان نیز برای اینکه شناخته نشوند استفاده می کردند. اختلاف پوشش در بین طبقات جامعه بسیار بود و در حقیقت ، چادر در آن عصر عبارت بود از یک روسری بسیار بلند که سر را می پوشانده بدون پوشاندن صورت ، بلندی آن قسمتی از بالا تنه را فرا می گرفت و غالباً بسیار نازک و نمایان بوده است. درباره آذر میدخت یکی از پادشاهان ساسانی که فقط یکسال حکومت کرده است نوشته اند: « در تالار وسیعی که در سمت گنبد بزرگ قصر (دیر) واقع بود گروهی از بزرگان ایرانی نشسته ، در بالای تالار آذرمیدخت مانند خورشیدی تابان در پس ابرهای بهاری ، با لباس سیاه و چادری نازک و مشکی که نیمی از تاج او را گرفت ، و مانند چارقد های زمان ما ، که از پشت تا نزدیک کمر می رسد ، دیده می شد .» کنت گوئینو در کتاب « سه سال در ایران » نیز معتقد است که حجاب شدید دوره ساسانی در دوره اسلام نیز در میان ایرانیان باقی ماند . او معتقد است آنچه در ایران ساسانی بوده است تنها پوشیدگی زن نبوده ، بلکه مخفی نگه داشتن زن بوده است و مدعی است که خود سری موبدان و شاهزادگان آن دوره به قدری بوده است که اگر کسی زن خوشگلی در خانه داشت، نمی گذاشت کسی از وجودش آگاه گردد و حتی الامکان او را پنهان میکرد. آنان مجبور بودند که خود را بپوشانند تا از طمع شاهزادگان و مردان با قدرت ، که می توانستند آنان را برپایند در امان باشند .

حجاب زنان ایران قبل از اسلام :

لباس زن ایرانی معمولاً از یک پیراهن (که روی آنرا به انواع مختلف گلدوزی ، قلاب دوزی و کارهای تزئینی دیگر در رابطه با وضعیت اجتماعی زنی که آن را می پوشید) با رنگ زنده و آستینهای بلند تشکیل میشد. یقه آن از طرف جلو باز بود . شلواری از پارچه ای نازک با رنگی غیر از رنگ پیراهن که در قسمت مچ تنگ بود، به پا می کردند. برای پوشاندن سر از یک سربند ، که در زیر چانه به



وسیله دو بست محکم میگردد استفاده می نمود. روی این سربند یک روسری بزرگ سه فتری از ابریشم که غالباً برودری دوزی گردیده بود بنام مکنو می پوشید. این روسری از سر تا روی شانه و پشت گردن را به خوبی می پوشانید و گردی صورت و گاهی قسمتی از موی جلوی سر بیرون می ماند. در فصل سرما بر روی این روسری هم، روسری مربع شکل می پوشید و گاهی بصورت عمامه بر دور سر خود می پیچید. در روی پیراهن خود یک مانتو از زری که آستینهای بلندی داشت و از جلو به وسیله دکمه بسته می گردید، بر تن می کرده، مسلماً پارچه ها و تزئینات مختلف به طبقه و درجه اجتماعی زنان مربوط می گردید. زنان معمولی اجازه پوشیدن پوتین و کفش پاشنه بلند را نداشتند، و اینها مخصوص خانواده های سرشناس بود. لباس زنان طبقه مرفه، تا اندازه ای پیچیده بود و در زمستان از مانتوی پوست استفاده می کردند و سر شانه های خود را با پوست روباه نقره دوزی گردیده بود می پوشانند. در تابستان روی شلوار ابریشم خود، زنان ایرانی یک لباس به نام «قبا» بر تن می کردند که جنس آن از ابریشم و خیلی تنگ و کوتاه بود. آنها در تمام فصول سر خود را با کلاهکی که با نگین الماس یا طلا و مروارید و جواهرات تزئین یافته بود می پوشانند. دور تا دور کلاه بوسیله پارچه ای بسیار نازک پوشیده می گردید. پوتین آنها از چرم طلایی بود. فرم ساده این لباسها را تا صد سال پیش، زنان زردشتی در ایران بر تن داشتند. (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۷۰)

حجاب زنان عرب قبل از اسلام:

زنان عرب لباسی بسیار ساده داشتند. طبری می نویسد: چهار تکه برای زنان لازم بود. اولین تکه به نام «دراعه» که پیراهن بلندی بود که تمام بدن را می پوشانید، دومین قسمت به نام «خمار» که سرو گردن و دور سینه را می پوشانید، سومین قسمت به نام «جلباب» است که از سر تا پا را در بر می گیرد و پیراهن و خمار در زیر آن پنهان می شود و همین جلباب است که نقش چادر دارد. قسمت چهارم «ازار» نامیده می شود که تمام هیكل تا پاها را در بر می گیرد. اولین قسمت را مردان هم استفاده می کردند و بسیار بلند و گشاد بوده است و پایین آن همیشه کثیف بوده است. پیغمبر (ص) مردم را از پوشیدن لباس بسیار بلند منع نموده بود. در طول قرون این فرم لباس دستخوش تغییراتی گردیده است و تنها آخرین قسمت آن که به نام عبا مشهور است در بعضی از کشورهای عربی هنوز مورد استفاده قرار میگیرد. این تنها حجابی است که شکل سنتی خود را حفظ کرده است. محجبه بودن به مرور زمان یک علامت احترام آمیز و انحصاری پیدا کرده، پنهان بودن و با حجاب بودن علامت شخصیت گردید، می گویند: «هارون الرشید» برعکس سایر خلفا از پشت پرده ای با مردم صحبت می کرد. این روش از پشت پرده صحبت کردن به خصوص برای زنان، مورد تقلید تمام زنان شهر نشین است. وضعیت مالی و ثروت عده ای، به زنان اجازه داد تا در خانه ها بمانند و در خارج از خانه کار نکنند و در طول قرون، حجاب بنا بر وضعیت شخصیت مسلمان ها تغییر می یافت. وقتی تمدن مسلمانان با رونق و درخشان بود، این عادت علامت عقب ماندگی و بدبختی برای زن مسلمان نبوده است و نمونه های بسیاری موجود است که می توانیم بگوییم که حجاب هیچ موقع مانع سازندگی و پیشرفت امت اسلامی و زنان نبوده است. در زمانیکه زنان قدرتمند بوده و سالهای - به قول تاریخ نویسان - «طلایی» امت مسلمان بود، این حجاب هرگز مانع کار کردن زنان در اجتماع نبوده است. با گسترش اسلام در قرون نهم، شاهد یک شبه انقلابی در حجاب هستیم بدلیل اینکه در حدود ده میلیون زن از طبقه مستضعفین، کارگر، کشاورز و کنیز که مسلمان شده بودند، اصلاً چادر سر کردن را نمی دانستند و آنها را با کار کردن می دانستند، در نتیجه زنانی که به چراندن حیوانات یا بستن اسب ها به گاری ها و یا به شستشو در دیوار خانه ها در طول روز مشغولند، نمی توانند مانند زن شهری با حجاب باشند، لذا حجاب فقط توسط زنانی از طبقه مرفه و ثروتمند شهری مراعات می گردید و با وجودی که یک دستور مذهبی بود، بیشتر نشان یک طبقه خاص گردید. در قرون یازده و دوازده زنان بسیاری را



درست های آزاد می بینیم مانند قضاوت ، شاعری ، نجوم ، پزشکی و عده ای دیگر مربی مذهبی یا صوفی و بعضی حتی به ریاست حکومت هم رسیده اند . زنان در کل جامعه بسیار پرکار و پر مشغله بوده اند (مومنون : ۵)

منابع

- اکبری محمود. مرورید عفاف. انتشارات قم. ۱۳۷۶
- وشنوی قوام الدین. حجاب در اسلام. چاپ حکمت. ۱۳۵۲
- استاد ملک فاطمه. حجاب و کشف حجاب در ایران. تهران ۱۳۶۷
- حسینیان روح الله. حریم عفاف. سازمان تبلیغات اسلامی. ۱۳۷۶
- مطهری مرتضی. تعلیم و تربیت. انتشارات صدرا. ۱۳۷۶
- عاملی. شیخ حر. وسائل الشیعه. دار الحیات التراث العربی
- احمد تیمور باشا. غرر الحکم. نشر مؤلفات تیمری
- مجلسی محمد باقر. بحار الانوار. اراک کتب اسلامی. تهران
- شیخ عباس قمی. مفاتیح الجنان. انتشارات هاتف ۱۳۷۶
- شیخ عباس قمی. سفینه البهار. تهران
- نهج البلاغه (محمد دشتی)
- صحیفه نور (امام خمینی، موسسه امام خمینی)
- محمد محمدی ری شهری. میزان الحکمه. موسسه فرهنگی دارالحديث